

خیلواکی



استقلال

www.esteqtaal.net

دوشنبه، ۶ سپتامبر، ۲۰۲۱

نویسنده: عبدالرحمن الراشد

فرستنده: میر عبدالرحیم عزیز

شکست پروژه سیاسی غرب در افغانستان

سنت گرایی و باورهای ویژه مردم افغانستان را نمی توان به آسانی در قالب دموکراسی غربی
قرار داد

اقتباس از www.independentpersian.com/node/174511 دیدگاه/شکست - پروژه-

سیاسی-غرب - در-افغانستان



امریکا و حتی پارلمان افغانستان در ایجاد یک پیوند اجتماعی فراگیری که همه شهروندان و قبایل افغانستان از آن حمایت کنند، ناکام ماند.

تردیدی نیست که گسترش دامنه افراط گرایی دینی و سیاسی که منجر به ظهور گروه های تروریستی در جهان شده بود، عامل اصلی حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به شمار می رود که ایالات متحده را با

فاجعه بزرگی روبه رو کرد. البته هدف از این گفتمان، اتهام وارد کردن به تدین و دین باوری نیست بلکه اشاره ای به پدیده سیاسی شدن دین است.

لشکرکشی به افغانستان، در گام نخست برای نجات آن کشور از دست کسانی بود که این حمله را انجام داده بودند؛ با این حال امریکا قصد داشت با حضور نظامی در افغانستان، تروریسم را نیز ریشه کن کند و این اقدام مستلزم مبارزه با ایدئولوژی افراط گرایی بود که انگیزه اصلی همه گروه های تروریستی از جمله، «القاعده»، «داعش» و «جبهه النصره» را شکل می دهد.

در آن زمان، امریکا در مدت چند هفته و با سرعت بسیاری از لحاظ نظامی پیروز شد، رژیم طالبان سقوط کرد و رهبران بازمانده «القاعده» به ایران و پاکستان فرار کردند. با این حال ایدئولوژی و سازمان مخفی این گروه کماکان باقی ماند و در نتیجه القاعده سازمان های دیگری مانند داعش را به وجود آورد و جنبش طالبان بهرغم گذشت بیست سال از سرنگونی دولت آن و مبارزه ای که علیه آن ها ادامه داشت، توانست بار دیگر با زور اسلحه به قدرت بازگردد.

یکی از عمده ترین چالش هایی که نیروهای امریکایی در مدت دو دهه گذشته در دولت افغانستان با آن روبه رو بوده اند مقابله با ایدئولوژی افراطی بود که از حکومت طالبان به ارث مانده و تا به امروز از مرز های افغانستان به این کشور وارد می شود و برای مبارزه با این تهدید از هیچ گونه سلاح پیشرفته و مدرنی نمی توان استفاده کرد.

با دقت و بازبینی به آنچه دولت های بوش، اوباما و ترامپ برای نجات افغانستان از شر طالبان و ایجاد یک دولت مدرن انجام داده اند، می توان دریافت که تکیه آن ها در این زمینه بر دو گزینه قدرت و پول بوده است. امریکا با طالبان با دلار و سلاح جنگید و بیش از ۱۸۰ میلیارد دلار را برای ارتش، امنیت، مدارس، بیمارستان ها، جاده ها، دولت، پارلمان و انتخابات محلی و ملی هزینه کرد، اما همه این ها پیش از فرا رسیدن زمان تعیین شده خروج نیروهای امریکایی از افغانستان نقش بر آب شد. علاوه بر مشکل فساد مرتبط با پروژه ها که باعث ایجاد یک طبقه حاکم غیر ملی شد، ۳۸ میلیون شهروند افغانستان ملتی را تشکیل دادند که پیوند درست و واقعی با هم نداشت، در حالی که واشینگتن سالانه ۷۵۰ میلیون دلار را برای پرداخت حقوق کارکنان دولت افغانستان هزینه می کرد.

در واقع مشکل اساسی «پروژه سیاسی» که امریکا قصد تطبیق آن را در افغانستان داشت، هویت و ماهیت غربی آن بود که تنها فراخور وضعیت سیاسی و اجتماعی امریکا بود و این پروژه زمانی می توانست در افغانستان قابل تطبیق باشد که این کشور شرایط مشابهی با آلمان پس از جنگ جهانی

دوم و شکست نازیسم را می‌داشت. این در حالی است که افغانستان مانند بیشتر کشورهای جهان سوم برای چنین تحول بزرگی آمادگی نداشته و از تجاربی که جهان غرب در سه قرن گذشته اندوخته است، نیز بی بهره بوده است.

البته بحث و جدل در مورد واجد شرایط بودن جوامع در حال توسعه برای پیوستن به مدرنیته و دموکراسی غربی یک کشمکش طولانی است و حتی برخی از نخبگان و اندیشمندان نیز از طرح این گفتمان ابراز نارضایتی می‌کنند و به این باورند که این امر به عنوان اهانت و تحقیر به مقام و منزلت انسانی در این کشورها تلقی می‌شود. اما من در این جا نمی‌خواهم بحث اصول و فلسفه را مطرح کنم، بلکه قصد دارم کاربردها و برآمدهای عملی را مورد بحث و بررسی قرار دهم.

اگر پروژه نوگرایی راه اندازی شده امریکا در افغانستان کارایی و موفقیتی می‌داشت، طالبان هرگز نمی‌توانست بدون شلیک حتی یک گلوله کشوری که وسعت آن سه برابر بریتانیا است را با چنین سرعت و شتابی تصرف کند. افغان‌ها با مشکل کمبود سلاح روبه‌رو نبودند، بلکه ارتش آن‌ها بزرگتر از ارتش فرانسه بود و ۳۰۰ هزار سرباز جنگی و کارآموده داشت، اما سربازان افغان نجات‌یافتند و تسلیم طالبان شدند، در حالی که قدرت نظامی طالبان و نیروی جنگی آن به مراتب ضعیف‌تر از ارتش افغانستان بود.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چرا ارتش افغانستان در مقابل طالبان نجات‌یافت؟ پاسخ این است که این ارتش به رغم ساختار به ظاهر مرتبی که داشت، افراد آن هیچ پیوند و همسویی نداشتند و در واقع امریکا با وجود بیست سال تلاش نتوانست در افغانستان یک پروژه ملی واقعی ایجاد کند و حتی پارلمان افغانستان در ایجاد یک پیوند اجتماعی فراگیری که همه شهروندان و قبایل افغانستان از آن حمایت کنند، ناکام ماند.

البته در این مدت شمار زیادی از شهروندان افغانستان توانستند از مزایا و دستاوردهای مختلفی در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بهره‌مند شوند اما شهروندان یادشده همه این دستاوردها را در سایه حکومت طالبان از دست خواهند داد زیرا این گونه پیشرفت‌ها بیشتر به قرارداد هایی شباهت دارد که با شرکت‌ها منعقد می‌شود و تداوم آن به ادامه کار با همان شرکت بستگی دارد.

در مقابل، گروه‌هایی که علیه امریکایی‌ها در افغانستان می‌جنگیدند از دین و قبیله به عنوان پیوند های مستحکمی برای ایجاد وحدت میان نیروهای خود استفاده می‌کردند و به کسانی که در این راه

کشته می شدند بهشت را وعده می دادند. با این حال پروژه دینی طالبان نیز محکوم به شکست است و به راحتی می تواند از طرف فرقه ها، مدارس و رهبران افراطی به چالش کشیده شود، مگر اینکه همه افغان ها این پروژه را بپذیرند و از آن حمایت کنند و این در حالی است که وقوع چنین تحولی هرگز محتمل نیست.

تنها پروژه ملی که در افغانستان وجود داشت با کودتای نظامی سال ۱۳۵۲ سقوط کرد و پنج سال بعد کمونست ها قدرت را در دست گرفتند، سپس ارتش اتحاد جماهیر شوروی به منظور حمایت از متحدش وارد افغانستان شد و پس از سقوط شاه، مسکو خود را به تهران نزدیک کرد. امریکایی ها، مجاهدین افغانستان و سایر افرادی که از هر گوشه و کنار برای جهاد به افغانستان آمده بودند سرانجام رژیم مورد حمایت شوروی را سرنگون کردند، اما آن ها در ایجاد یک دولت جایگزین ناکام ماندند و جنگی که در این مرحله بین گروه های مختلف آغاز شد افغانستان را وارد دشوارترین مرحله تاریخ این کشور کرد.

کاری که ایالات متحده در دو دهه انجام داد، تلاش برای متمدن ساختن دستگاه دولتی، عمومیت بخشیدن به خدمات و ایجاد یک نظام سیاسی پارلمانی بود که مناسب با روش و طرز تفکر گروه های سنت گرای این کشور باشد، اما این امر منجر به افزایش اختلاف میان شهروندان افغانستان شد. هرچند تنش و درگیری بین جوامع مختلف اسلامی به شدت پیچیده و طولانی است اما تلاش برای ایجاد هم سویی میان حکومتداری خوب و اسلام میانه روی یکی از مهمترین اهداف منطقی عصر کنونی به شمار می رود.

نوت: مضمون فوق بدون تصرفات به نشر رسیده است.

پایان